چهارمین نشست از سلسله نشست­های علمی گروه زبانشناسی با همکاری معاونت پژوهشی دانشکده­ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «ریشه­شناسی در فرهنگ­نگاری زبان­های ایرانی» با ارائه­ی دکتر منصوری با حضور جمعی از اساتید و دانشجویان در روز دوشنبه 13/8/1392 در اتاق 215 برگزار شد.

دکتر منصوری در ابتدا به معرفی حوزه­های عمده و اصلی زبانشناسی تاریخی پرداختند که عبارتند از : 1.زبانشناسی تطبیقی، 2.گویش­شناسی، 3.ریشه­شناسی، 4.آواشناسی (واج­شناسی)، 5.ساخت­واژه (صرف)، 6.دستور (نحو)، 7.معناشناسی. و در ادامه به فرآیند راهیابی واژه­ی ریشه­شناسی Etymology به زبان فارسی اشاره کردند که یکی از بحث­های سخت در حوزه­ی زبانشناسی تاریخی است و اظهار داشتند : این واژه از فرانسه به درون واژگان فارسی راه پیدا کرده­است. که لغت فرانسوی آن نیز از لاتین و آن نیز از یونانی مشتق شده­است و به معنای «شناخت معنی راستین واژه» می­باشد.

دکتر منصوری، ریشه­شناسی را « بررسی سرگذشت و تاریخ دگرگونی واژه از دیدگاه لفظ و معنی از یک سو، و شیوه و تاریخ کاربرد و سیر دگرگونی و دگردیسی (تغییر و تحولات) واژه از سوی دیگر » تعریف کردند و اظهار داشتند که هر زبانی بر پایه­ی دو عامل درونی و بیرونی همواره در حال تغییر و دگرگونی است و از آن­جا که واژگان هم بخشی از هر زبان می­باشد شامل این تغییر و تحول می­شود. عامل درونی شامل دگرگونی­های آوایی و معنایی است به این معنا که یک زبان در داخل خودش یک تحول و دگرگونی را می­پیماید. این تغییر و تحول ممکن است از لحاظ سرعت تغییرات متفاوت باشد اما به هرحال در هر زبانی ما شاهد آن خواهیم بود. حتّی در زبان فارسی که یک زبان محافظه­کار است مشاهده می­شود و برخلاف زبان­های اروپایی، تغییراتش بسیار کند است. عامل بیرونی که یکی از عوامل تعیین کننده­ی تغییرات زبانی است به عواملی همچون تغییر شرایط اجتماعی مانند تاخت­وتاز به یک کشور، تغییر حکومت­ها و دولت­ها، دادوستد، بازارگانی و گسترش کالاهای اقتصادی و صنعتی میان دو کشور اطلاق می­شود. دکتر منصوری هدف از انتخاب این موضوع را تشویق جوانان برای بهره­گرفتن هرچه بیشتر از این علم نوین دانستند و اظهار داشتند که این علم در کشور ما تازه محسوب می­شود ولی از زمان افلاطون و ارسطو، این علم بوده است؛ چراکه ذهن بشر جستجوگر است و همواره به­دنبال اصل هرچیز بوده و هست و فکر می­کند هر چیزی در اصل آن نهفته است. دکتر منصوری هدف این پدیده ریشه­شناسی را شناخت درست و دقیق دگرگونی­های معنایی واژگان هر زبان دانستند و اظهار داشتند در زبانشناسی تاریخی از طریق ریشه­شناسی فقط به معنا یا لفظ توجه نمی­کنیم بلکه در مرحله­ی دوم مفهوم و کاربرد را هم بررسی می­کنیم. در حوزه­ی ریشه­شناسی، آواشناسی و معناشناسی دو چشم یک پژوهشگر محسوب می­شوند که اگر پژوهشگری از یکی از این­دو غفلت بورزد، نتیجه­ی کارش قابل اعتماد نیست. دکتر منصوری در ادامه راهکارهایی را که خود در طول چند سال پژوهش به آن دست پیدا کرده­اند و لازم است که یک پژوهشگر در حوزه­ی ریشه­شناسی به­کار ببندد به شرح زیر بیان داشتند: **-** رعایت قواعد ناظر بر دگرگونی­های آوایی. کسی که با آواشناسی عمومی و تاریخی آشنایی ندارد نباید وارد این حوزه شود. **–** ضابطه­ی ناظر بر همسانی­های وابسته به ساخت­واژه (صرف). –تبیین نحوه­ی تغییرات معنایی در طول تاریخ کاربرد واژه. – بررسی دگرگونی­های معنایی مانند مجاورت، مشابهت، هم­آوایی، ذکر جزء و اراده­ی کل، فقه­الغه عامیانه و غیره. به­عنوان مثال واژه­ی خنگ که برای اشاره به شخص کودن به­کار می­رود در اصل به­معنای سفید است. در انگلیسی برای اشاره به شخص کودن از green سبز استفاده می­کنند و در آمریکا صفت سفید، نیکو و نجیب را معنا می­دهد. در مثالی دیگر «مروا : فال نیک» و «مرغوا : فال بد» را درنظر بگیرید. هر دو از یک ریشه­اند ولی دو واژه­ی متضاد به­حساب می­آیند. و یا bad در انگلیسی با بد در فارسی که هم­معنا نیز هستند از نظر ریشه­شناسی هیچ ارتباطی باهم ندارند. بررسی این بستر برای یک ریشه­شناس بسیار سخت است. **–** و برخی کارها و راهبردهای نانوشته­ای که به هنگام انجام پژوهش پیش می­آید. دکتر منصوری به روش ریشه­شناسی در فرهنگ­نگاری زبان­های ایرانی اشاره کردند و آن را متفاوت با شیوه­ی فرهنگ­نگاری غربیان دانستند. شیوه­ی بیان یک ریشه­شناس اروپایی وقتی به زبان خود فرهنگ می­نویسد با شیوه­ی بیان یک ایرانی که به فارسی می­نویسد متفاوت است. به قول اقبال لاهوری «غربیان را زیرکی راز حیات شرقیان را عشق راز کائنات». روش ریشه­شناسی در فرهنگ­نگاری زبان­های ایرانی به شرح زیر می­باشد : 1- پیشینه­ی زمانی : دوره­ی نو←دوره­ی میانه←دوره­ی باستان←دوره­ی آریایی (هندوایرانی)←دوره­ی هندواروپایی. هنگام پیگیری یک واژه از نظر زمانی مشکلات زیادی خواهیم داشت. 2- مرزبندی داده­های واژگانی در بررسی تطبیقی : زبان­های ایرانی→ زبان­های آریایی→ زبان­های هندواروپایی 3- مشخص کردن جهت و مسیر پژوهش. آیا از اکنون باید آغازید تا به گونه­های گذشته و کهن دست یافت یا از گذشته آغاز کرد تا به صورت­های کنونی رسید؟ 4- گزینش کارمایه یا پیکره corpus که پیشاپیش باید معلوم باشد. 5- سامان­دهی و مرزبندی آگاهی­ها و اطلاعات غیر لغوی. ساختار کل جامعه از منظر تاریخ و فرهنگ، آیین گویشوران زبان مورد نظر در حال و گذشته، در شناخت بهتر باورها، روش­ها و سنت­ها، انگاره­ها و پنداشت­های اساطیری و باورهای دینی و تیره­ای (قومی) و غیره نهفته در واژگان، از دیرباز تاکنون بررسی شود. به­عنوان مثال وجود واژه­ی war « آزمایش دینی » در زبان پهلوی یا فعل سوگندخوردن (sogand xordan)، آخشیج و آخشیجان (عناصر چهارگانه­ی آب، آتش، باد، خاک). در توضیح فعل سوگندخوردن در گذشته برای اثبات بی­گناهی شخصی او را مجبور به خوردن سوگند که معادل گوگرد است می­کردند. دکتر منصوری در ادامه با اشاره به کم­بودن ریشه root در زبان­های هندواروپایی که چیزی حدود 2000 ریشه می­باشد، به معرفی مشتقاتی از برخی از ریشه­های ایرانی باستان پرداختند. از جمله ریشه­ی wak «سخن­گفتن» که مشتقات آن در فارسی عبارتند از : واج، واجیدن، واژ-(واژیدن)، باژ، بانگ، واک، واژه، تکواژ، آوا، آواز، نوا، نواز، نواخت، نواختن، نواز...

دکتر منصوری در پایان به معرفی فرهنگ­هایی که درباره­ی زبان­های ایرانی نوشته­شده­است، پرداختند.

**تهیه کننده : اعظم سنجابی (دانش‏آموخته گروه زبان‏شناسی دانشگاه شهید بهشتی)**